مروری بر آثاری که نام و یاد سید مقاومت را زنده نگه داشته‌اند

# از مرد جنوب بگو

فرهنگان

غروب جمعه ۶ مهر ماه ۱۴۰۳ حوالی ساعت ۱۸ یا ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ و یا ۱ و ۲۰ دقیقه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ برای ما یک قصه واحد دارد، تکرار همان داستان غم و ایستادن و ادامه دادن. تکرار زیستن با اندوه و مقاومت. وقتی غروب جمعه احتمال خبر شهادت سید آمد، همه می‌دانستند که اگر خبرها درست باشد باید قلبها، دوربین‌ها و سازها به کار بیفتد. باید همه برای پسر حاج عبدالکریم نصرالله می‌خواندند و می‌سرودند. همان پسری که فقر جنوب را درک کرد، همان کسی که موسی صدر و سید عباس موسوی را شناخت و درک کرد و فهمید مقاومت را نباید شعار داد، باید زندگی کرد.

پسر حاج عبدالکریم خیلی زود شد فخر مقاومت و اولین یاری که پای سخنرانی برای مردم ایستاد، فهمیدند که او فرق می‌کند. از آن روزها چهل و چند سالی می‌گذرد. روزهایی که با فریادها و طنین صدای سید مقاومت در جنوب و تمام لبنان گذشت. روزهایی که از علی العطار گرفته تا جولیا بطرس هنرشان را خرج فرزند مقاومت کردند و نتوانستند، حماسه پسر جنوب را نادیده بگیرند. حالا یک سالی از آن ساعت‌های حساس می‌گذرد. طبیعی است که قلم‌ها، دوربین‌ها و سازها بیکار ننشینند. در این شماره از صفحه فرهنگ «فرهیختگان» از تولیدات این چند وقت و فراق سید گفتیم. تولیداتی که به دو کلمه تکرار شونده شیعه گره خورده است؛ فراق و مقاومت.

## سیدحسن که بود؟ کتاب‌ها پاسخ می‌دهند؟

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

با گذشت یک سال از شهادت قهرمانانه «سیدحسن نصرالله» اهمیت این پرسش که دیسرکل حزب‌الله لبنان که بود و چه نقشی در محور حق علیه باطل ایفا می‌کرد بیشتر و بیشتر می‌شود. پر جوانان، مردم منطقه- به‌ویژه ایرانیان- و همه آزادگان جهان واجب است که فرمانده خط مقدم مقاومت در مقابل نظام سلطه را بشناسند. اینکه این شناخت به چه کارشان می‌آید مسئله گزارش پیش رو نیست، ولی مگر بدون وجود پیش‌نیازها می‌توان زندگی حال و آینده خود و اطرافیانمان را از شر امپریالیسم و نیروهای نیابتی‌اش نجات داد؟ غالب کتاب‌هایی که در مورد دیسرکل حزب‌الله لبنان در یک سال اخیره رشته تحریر درآمده بیرون از قالب زندگی‌نامه، شعر و سفرنامه نیست، درحالی‌که این رمان، داستان کوتاه و نوول است که می‌تواند در ذهن خواننده ماندگاری پیدا کرده، وضعیت ساخته و جهانی نو در جنگ میان رواییت‌ها پیدا کرده، بیاورد. فراموش نکنیم غرب از ادبیات به‌عنوان یکی از راه‌های نفوذ به جهان ذهنی و ادراک مخاطبان شرقی بهره می‌برد و بیشتر از هر گونه و ژانری در حوزه نوشتاری می‌تواند اثرگذار به‌نظر برسد.

### دوازده صفر سه

پس از شهادت سیدحسن نصرالله، موج تازه‌ای از پدیدآمدن کتاب‌های جدید با محوریت این رهبر بزرگ جهات تشیع در بازار نشر ایران پدید آمد که بیشتر آن‌ها در دسته سفرنامه قرار می‌گیرند. در میان این آثار نام کتاب «دوازده صفر سه» با روایتگری «محمدصادق علیزاده» روزنامه‌نگار حوزه فرهنگ و پژوهشگر حوزه بین‌الملل بیش از باقی کتاب‌ها به چشم می‌آید، چون نویسنده با تکیه‌بر ادبیاتی پالوده در این وادی قدم برداشته و این امکان را پشتوانه تخصصش در امور مربوط به منطقه و همین‌طور محور مقاومت قرار داده است. او در مقدمه دوازده صفر سه می‌گوید کتابش در دسته سفرنامه‌های مرسوم جای نمی‌گیرد و در آن خبری هم از خرده‌تأملات فلسفی نیست؛ نویسنده در این کتاب با محور قراردادن مراسم پرشور تشییع سیدحسن نصرالله بدون آنکه ادعایی داشته باشد، ایده شکل‌گرفتن جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونی، آمریکا و غرب را در لایه‌های میانی روایت برای خواننده تبیین می‌کند و تاحدامکان به پرسش‌ها، شبهات و گره‌های ذهنی وی می‌دهد. علیزاده در بخشی از کتاب دلایل چرایی زنده‌ماندن نهضت حزب‌الله در لبنان را- باتوجه‌به علقه تاریخی این جریان- توضیح می‌دهد و می‌نویسد: «حزب‌الله در لبنان نه با جنگ کلاسیک و اسکادران‌های وحشی اف-۱۵ و اف-۳۵ و اف-۱۶ نیروی هوایی ارتش اسرائیل، نه با تروریسم دولتی موساد و انفجار پیچرها، نه با بمباران و شهادت دسته‌جمعی فرماندهان نظامی و جهادی مقاومت، نه با هجوم زمینی و زرهی مرکاواهای کف‌بر لب آورده در جنوب لبنان، و نه حتی با ترور پی‌درپی دو دیسرکل این سازمان با بیش از هشتاد تن بمب- که یک مورد از هرکدام از این حوادث برای شکستن کمر یک دولت منسجم و ارتش و سازوبرگ کلاسیکش کفایت می‌کند- از خاک لبنان قلوه‌کن نمی‌شود. قلوه‌کن شد هیچ، زخمی و مجروح اما زنده از دل معرکه بیرون می‌آیند.»

### سیدحسن نصرالله؛ قلب مقاومت

حضور انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب در میان مؤسسات نشری را که به سوژه سیدحسن نصرالله در یک سال اخیر پرداخته باید مغتنم شمرد، چون تأکید این مجموعه به مسائل مرتبط با امر قدسی و مسائل دینی - مذهبی ناشی از اهتمام ویژه ناشر به این موضوعات است. اهمیت نگارش کتاب در رابطه‌با حزب‌الله را باید در کنار تأکید ویژه‌این انتشارات به حوزه بهدوشناسی و موارد مرتبط با آن تفسیر کرد تا به این واسطه روایت جامعی از درگیری میان خیر و شر صورت بگیرد. کتاب «سیدحسن نصرالله؛ قلب مقاومت» پس از شهادت این عالم دینی و فرمانده بزرگ با قلم «آذر اسدی‌کرم و سیدرضی موسوی‌گیلانی» در سال ۱۴۰۲ منتشر شد و در خلال روایت‌هایش از منظر تاریخی به محوریت دیسرکل حزب‌الله در میان پیروان مذاهب موجود در لبنان از شیعه و سنی گرفته تا مسیحیان مارونی، دروزی، ارتدکس و کاتولیک جواب داد و ویژگی‌های او که باعث بوجودآمدن یک رهبر کاریزماتیک در اجتماع چندپاره لبنان شد را برشمرد. به همین صورت وضعیت قرارگیری این کتاب در قفسه آثار مربوط به سیدحسن را از باقی محتواهای موجود جدا کرد، چون نویسندگان آن بیرون از قاعده همیشگی به شخصیت برجسته‌ای نظیر سیدحسن واکنش نشان دادند و از قالب‌های سخت، غیرمنعطف و بسته برای مطرح‌کردن مواضعشان دوری گزیدند.

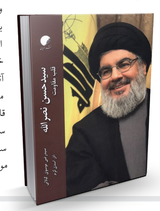

### خسوف در بیروت

مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی نیز به تأسی از موجی که سوره مهر به راه انداخت وارد گود شد و کتابی را با عنوان «خسوف در بیروت» به هدایت و کوشش «مهدی قزلی» درخصوص واقعه تشییع سیدحسن نصرالله با حضور جمعی از نویسندگان منتشر کرد. قزلی مسئول گردآوری روایت‌های کتاب «قرار با خورشید» و اولین سردبیر همهنشری داستان است که در این سال‌ها با مدیریت مؤسسه «مدرسه نوشتن» مسئله روایت و روایتگری را در جایگاه مفهومی مرکزی و کانونی مدنظر قرار داده و در یکی از آزمون‌های اساسی‌اش سراغ مراسم بدرقه یکی از بزرگ‌ترین و نام‌ی‌ترین شهدای اسلام در عصر ما رفته است. نکته حائز اهمیت در مورد کتاب خسوف در بیروت تک‌نگاری «سیدعطاالله مهاجرانی»، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت اصلاحات تحت عنوان «شهادت به‌مثابه سبک زندگی» است. او در این یادداشت مشاهداتش از مراسم تشییع سیدحسن را با این جملات به پایان می‌رساند: «عهد ما با سید اکنون به پیمان خون تبدیل شده است. این عهد در خون و عصب ما، در روح ما جاری شده است. سید در عهد خود با خداوند صادق بود. «صدقوا ما عاهدوالله» از خداوند خواسته‌ام که مرا یاری کند که تا آخرین لحظه عمر و تا آخرین قطره خون بر این پیمان صادق باشم.»

### صاحیهٔ مقدسه

خبر برگزاری مراسم تشییع سیدحسن که از لبنان مخابره شد، کتاب «صاحیه مقدسه» در تهران روانه چاپ شد. این اثر دربردارنده اشعار ۱۱۰ شاعر مطرح من‌جمله «یوسف‌علی میرشکاک»، «محمدمهدی سیار»، «مهدی جهانداره»، «سعید حدادیان»، «علی انسانی»، «مرتضی حیدری آل‌کثیر»، «علی داودی» و... در باب زندگی مجاهدانه شهید سیدحسن نصرالله است که به همت محمود حبیبی‌کسی و احمد بابایی در انتشارات سوره مهر منتشر شده است. سؤالی که می‌توان از پدیدآورندگان این اثر پرسید این است که گرچه انتشار کتاب در مورد سیدحسن از اوجب واجبات به‌حساب می‌آید، اما آیا فهرست‌کردن نام ۱۱۰ شاعر در کتابی تحت‌عنوان «صاحیه مقدسه» با فرایند خلق اثری جدید در رثای سید مقاومت همخوانی دارد یا این اتفاق صرفاً برای خالی نبودن عریضه رقم خورده است؟

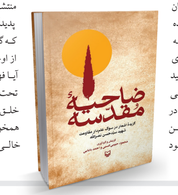

### صاحیه

یکی از معدود کتاب‌های متفاوت در مورد سیدحسن نصرالله را نشر معارف به زیور طبع آراسته است. «صاحیه» به قلم «علیرضا سکاکی» رمانی در گونه آثار امنیتی و اطلاعاتی است. این اثر مخاطب را با خود به دل ماجرای شهادت سید می‌برد و او را با قراردادن در فضایی خیال‌پردازانه و رئال با نیرو روبه‌رو می‌کند. رمان صاحیه درواقع هم به کشف عملیات‌های سری رژیم می‌پردازد و هم نگاهی ویژه به اهدافش در منطقه دارد. حضور رمانی در حد و اندازه این کتاب در میان آثار منتشرشده با محوریت مقاومت و شخص سیدحسن بسیار مغتنم و بااهمیت است. از این‌ها گذشته، طراحی جلد رمان در نهایت خلاقیت به‌ثمر رسیده و نشان می‌دهد کار برای مجموعه نشر معارف اهمیت بسزایی داشته است.

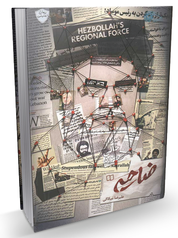

ادامه در صفحه ۱۳



یکشنبه ۶ مهر ۱۴۰۴
۴۵۱۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

## مستندهایی برای مرد میدان

مریم فضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

مرد پرصلابتی که بارها از قاب تلویزیون و رادیو بودیم، حالا یک سالی است که دیگر میان ما نیست و یادگارش تصاویر، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی است که هر بار دیدنشان بغضی تازه می‌سازد. مستند، شاید نزدیک‌ترین قالب به حقیقت چنین شخصیتی باشد؛ رسانه‌ای که با دقت و جزئی‌نگری به سوژه نزدیک می‌شود و تلاش می‌کند آن را از زوایای گوناگون روایت کند. در این سال‌ها، مستندهای متعددی درباره سید حسن نصرالله ساخته شده که هر کدام بخشی از زندگی، اندیشه یا نقش تاریخی او را به تصویر کشیده‌اند. هرچند هیچ کدام این مستندها نتوانسته‌اند حق این شخصیت بزرگ تاریخی را ادا کنند اما تلاشی که برای ساخت هرکدام از این مستندها شده، ارزشمند است.

یکی از نخستین تلاش‌های ساخت مستند بعد از شهادت سیدحسین را می‌توان در برنامه‌هایی مثل «ثریا» دید که به روایت‌هایی از حیات اجتماعی و سیاسی دبیرکل حزب‌الله پرداختند. مستند «تهران_تل‌آویو» ساخته علی صدری‌نیا نیز کوششی جدی برای نشان دادن ابعاد مختلف جایگاه سید حسن در محور مقاومت بود. برخی آثار دیگر هم به بهانه پرداختن به شخصیت سید حسن، سراغ تاریخچه حزب‌الله رفتند و با استفاده از تصاویر و آرشیوهای قدیمی، مقاطع مهمی همچون جنگ ۳۳ روزه و نبرد تموز ۲۰۰۶ را با زخوانی کردند. اما شهادت سید حسن خود به نقطه‌عطفی در مستندسازی بدل شد. خانه مستند با تولید اثری روایی از زبان یک زن لبنانی، قصه شهادت را بازگو کرد. هم‌زمان فیلمسازانی چون وحید فرجی، محسن اسلام‌زاده و مسعود دهنوی و برخی دیگر از مستندسازان آثاری ساختند که اگرچه موضوعات مستقلی داشتند، اما قصه شهادت در پس‌زمینه همه آن‌ها جاری بود. بسیاری از این تولیدات با هدف نمایش در جشنواره «حقیقت» ساخته شدند تا به ثبت بخش‌هایی از این واقعه تاریخی کمک کنند.

از جمله آثار شاخص پس از شهادت، مستند «مرد پیروزی» به کارگردانی مجتبی میانوند است؛ روایتی که تنها یک هفته پس از شهادت آماده شد و به نمایش درآمد. اثری که نشان داد رسانه مقاومت، حتی در روایت‌گری، همگام با میدان عمل می‌کند. در کنار آن، مستند «قلب الامین» با محوریت گفت‌وگو با پدر سیدحسن، عبدالکریم نصرالله، برای نخستین بار گوشه‌هایی از کودکی و نوجوانی او و نگاه متفاوتش به زندگی را آشکار کرد.

دیگر مستندها هر یک زاویه‌ای تازه را گشودند؛ «نصر من الله» گوشه‌هایی از دیدارهای منتشرنشده سیدحسن با رهبر انقلاب را به نمایش گذاشت. «ما فرو نمی‌ریزیم» که در آستانه تشییع پیکر او رونمایی شد، با تمرکز بر ماه‌های پایانی جنگ و روایت دختر شجاع لبنانی، زهرا قیسی، به بازنمایی مقاومت مردم لبنان پرداخت. مستند «داستان ناگفته حزب‌الله» نیز با نگاهی تحلیلی، روند شکل‌گیری و بازتولید رهبری در حزب‌الله را مرور کرد.

همچنین «زیر شعله‌های آتش» به روایت مقاومت مردم لبنان و معرفی نسل جدید مبارزان پرداخت. و در نهایت، مستند «ماجرای نیمه‌شب» تلاش کرد تا با نگاهی متفاوت به شهادت سیدحسن بپردازد؛ اثری که تمرکزش بر جزئیات کمتر شنیده‌شده‌ای چون روند تفحص، کشف پیکر سید و روایت ودایع همراه اوست.

این مجموعه متنوع از مستندها، هر یک تلاشی است برای نگه‌داشتن تصویر سیدحسن نصرالله در قاب تاریخ؛ قابی که فراتر از غم فقدان، روایتگر راهی است که همچنان ادامه دارد.

## ماجرای نیمه‌شبی که سید نبود

یکی از عوامل سازنده مستند «ماجرای نیمه‌شب» که دوست نداشت نامی از او برده شود، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره موضوع این اثر توضیح می‌دهد که مستند بر محور چگونگی شهادت، روند تفحص و اتفاقاتی شکل گرفته که پس از شهادت برای اطرافیان سید رخ داده. او می‌گوید: «طبیعتاً یکی دو روز اول همه چیز تحت‌تأثیر تشییع بود و شرایط برای کار روی این موضوع مهیا نمی‌شد. اما کم‌کم هماهنگی‌هایی انجام شد. البته راستش را بخواهید چون ما زیر مجموعه مجموعه‌های شناخته‌شده فعال در لبنان نبودیم، روند تولید با سختی پیش رفت و تنها با افراد محدودی توانستیم مصاحبه کنیم. در نهایت تمرکز اصلی ما روی تحقیق و پژوهش و نوشتن یک سناریو قرار گرفت؛ بخشی از آن را هم خارج از لبنان و در ایران پیش بردیم. بازسازی‌ها، تصویرسازی‌ها بخشی از کار بود. هدف این بود که ابتدا به روایتی دقیق و درست برسیم و سپس آن را در قالب بازسازی‌ها و تولیدات تکمیل کنیم.» او در ادامه به سوژه‌های اصلی این مستند اشاره می‌کند: «سوژه ما همان بودند که رسانه‌ای بودند و در ایام جنگ و شهادت سید در لبنان حضور داشتند؛ از کسی که خبر شهادت را خواند گرفته تا عکاسی که در منطقه بود، خبرنگارانی که آنجا بودند یا حتی مجری شبکه المیادین. روایت می‌کنیم که آن‌ها هنگام شهادت کجا بودند و چه اتفاقی در آن چند ساعت تعلیق افتاد؛ همان زمان که هنوز معلوم نبود سید شهید شده یا نه. بعد روایت ما مشیت پیدا می‌کند به سمت گروهی که موظف شدند پیکر سید را پیدا کنند و همه اتفاقات ریز و درشتی که در آن ساعات تجربه کردند. اما تعلیق اصلی و کمتر شنیده‌شده فیلم ما از جایی آغاز می‌شود که پیکر پیدا می‌شود؛ قصه و بعد، حال و هوای آن لحظه‌ها را کسانی که همراه پیکر بودند. این همان روایت نشنیده‌ای است که ما در این فیلم به آن پرداخته‌ایم. این ماه‌اله اگر فیلم پخش شود، مخاطب با بسیاری از روایت‌های دست‌اول و نشنیده روبه‌رو خواهد شد.»

به گفته او، رسیدن به لبنان هم آسان نبود و با یک تأخیری رسیده است: «به خاطر اینکه دسترسی قبلی ما قطع شده بود، مجبور شدیم مستقل اقدام کنیم و همین باعث شد خیلی سخت و دیر خورده را به لبنان برسانم. در حراستم برای همان ایام جنگ و زمانی بود که سید زنده بود، اما چون زیر مجموعه نهادی نبودم، تنها با کمک مجموعه سیمرغ صداوسیما و آقای سلیم غفوری توانستم به بیروت و دیگر مناطق بروم.»

این مستندساز درباره محدودیت‌های تولید توضیح می‌دهد: «اساساً ما هیچ تصویری نداشتیم و همه تصاویر را خودمان ساختیم. فیلم در فقر آرشیوی ساخته شد و همین ما را به سمت ایده‌های جدید در آرشیوسازی و تولید برد. نمی‌شود گفت همه فیلم تولیدی است، اما واقعیت این است که چیزی در دسترس نبود و ما هم استفاده نکردیم.»

او با اشاره به برخی دیگر از آثار ساخته‌شده پس از شهادت سید ادامه می‌دهد: «خیلی‌ها درباره مراسم تشییع (که واقعاً یک مراسم عجیب و غریب بود) فیلم ساختند. مثلاً همان فیلم «مرد پیروزی» ساخته مجتبی میانوند که با فاصله‌ای حدود یک هفته بعد از شهادت آماده شد. این‌ها اتفاقات خوبی در فضای رسانه بود. بچه‌ها با سرعت بالا و روایت‌های درست کار کردند و من عاشق همه این زحمات هستم و در کار خودم هم از آن‌ها استفاده کردم.»

او درباره حال‌وهوای لبنان در آن روزها چنین می‌گوید: «ما هیچ وقت سفری به لبنان نرفته بودیم که سید نباشد. برایمان خیلی اتفاق تلخ و عجیبی بود که لبنان بر بدیم و سید حضور نداشته باشد. سفر ما درست دو روز مانده به تشییع بود. علیرغم تلخی فقدان سید، یک هیجان و شور عجیبی بین مردم موج می‌زد؛ به همین خاطر سخت‌جبران کردند. با حضورشان، پرچم به دست گرفتن، نصب عکس‌های سید در همه جا یا حتی باسیلی سرخ نگه داشتن صورتشان نشان می‌دادند که هنوز اینجا هستند و به آرمان و روایت پایبند مانده‌اند. این شور و هیجان در همه آدم‌ها دیده می‌شد و محدوده به مناطق شیعه‌نشین یا افراد مذهبی نبود؛ یک اتفاق عمومی بود. اوج این جریان در روز تشییع رخ داد. خیلی از ایرانی‌ها آمده بودند و دوربین‌های زیادی آن را رصد می‌کردند. اما هیچ دوربینی نمی‌توانست همه آن لحظات را ثبت کند. از بچه‌های کوچکی که برای سید گریه می‌کردند تا آدم‌هایی با پوشش‌ها و سبک‌های زندگی مختلف حضور داشتند. تشییع در روز شگفت‌بر جمعیت برگزار شد که تازه تنها بخش کوچکی از جمعیت درون آن بودند؛ عده‌ای هم در مسیر بیرون حضور داشتند. واقعاً یک اتفاق عجیب و تکرارنشدنی بود.»

در پایان هم او تأکید می‌کند: «به لحاظ دسترسی می‌توان گفت از هیچ یک از مجموعه‌هایی که امکانات و دسترسی‌های گسترده داشتند، کمکی برای ساخت این فیلم دریافت نکردم. درست است که با کمک مجموعه سیمرغ من به لبنان سفر کردم، اما در حوزه آرشیو و روایت همه فقط درگیر کمک به مجموعه‌های مرتبط با خودشان بودند. اساساً آینکه بخواهند برای مستندسازی کمک کنند، اولویت‌شان نبود.»

## عهدنامه‌ای که در تشییع بسته شد

مستند «عهدنامه» از آن دسته آثاری است که در وبینش میان مردم داغ‌دیده و باعزتی می‌چرخد؛ مستندی که درباره سیدحسن نصرالله و غم فقدان او ساخته شده. حمیدرضا حیدری، کارگردان و تهیه‌کننده این اثر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره شکل‌گیری و حال‌وهوای فیلمش چنین روایت می‌کند. به گفته او، «عهدنامه» درباره سفر یک مستندساز ایرانی به بیروت در ایام تشییع سیدحسن نصرالله ساخته شده است. روایت فیلم از چند روز پیش از مراسم آغاز می‌شود؛ زمانی که فیلمساز پایش را در بیروت گذاشته و با نگرانی‌هایش نسبت به وضعیت لبنان و حزب‌الله و دغدغه اینکه آیا تشییع با آن عظمت و شکوه برگزار خواهد شد یا نه، دوربین را روشن کرده است. فیلم در ادامه، مراسم تشییع و روزهای پس از آن را دنبال می‌کند؛ روزهایی که با گشت‌وگذاری در جنوب لبنان، شهر بیروت و مناطق مختلف، تلاش شده آثار شهادت سیدحسن و نشانه‌های زنده بودن حزب‌الله روایت شود.

وقتی از او پرسیدیم چیزی بود که بخواهد آن را ثبت کند اما به‌درلبنانی نشود؟ پاسخ داد که محدودیت زاویه دید مستندساز و اجبار به رعایت زمان، بسیاری از اتفاقات را از فیلم حذف کرده است. او به‌ویژه به یک سکانس جذاب اشاره می‌کند؛ مراسم تشییع سیدهاشم صفی‌الدین در یکی از روستاها که حال‌وهای خاص و تجربه‌های متفاوت از نوعی دیگر از تشییع بود، اما به دلیل محدودیت زمانی حذف شد. بااین‌حال، حیدری گاهی مرده تدوین فیلم‌هایی که در آن زمان ضبط کردند را می‌دهد که در سالگرد تشییع شهدا این بخش را به‌عنوان مستندی مستقل عرضه کند.

در ادامه، او از لحظات ماندگاری می‌گوید که در ذهنش حک شده؛ «ما تاریخ لبنان را از لابه‌لای کتاب‌ها می‌شناختیم. اما هیچ‌وقت جامعه لبنان را این‌گونه زنده و عیان جلوی چشم خودمان ندیده بودیم. در مراسم، تمام احزاب لبنانی کنار هم بودند؛ سنی‌ها، شیعه‌ها (با تمام دسته‌بندی‌های درونی‌شان) و حتی مسیحیان. همه با شوقی مشترک حضور داشتند. برای من، دیدن این تصویر باشکوه که یک روحانی شیعه توانسته چنین وحدت و همبستگی عجیبی را در جامعه چندپاره لبنان ایجاد کند و همه در فراقش عزادار باشند، فراموش‌نشدنی است. به‌ندرت رهبران سیاسی چنین وداع باشکوهی را تجربه می‌کنند. زیباترین لحظه برای من همین بود؛ حضور طیف‌های مختلف، با یک جهت و یک عقیده مشترک در مراسم.»

البته مسیر تولید «عهدنامه» سختی‌های خودش را هم داشته. حیدری درباره این چالش‌ها می‌گوید: «نامشخص بودن وضعیت پروازها یکی از اولین چالش‌ها بود. تا آخرین لحظه نمی‌دانستیم به مراسم می‌رسیم یا نه، و این اضطراب بزرگی بود. مهم‌تر از آن اما، وظیفه ما به‌عنوان فیلمساز بود. در دل می‌دانستیم با حضور بیش از یک میلیون نفر، نمی‌توانستیم صرفاً عزاداری کنیم؛ باید رسالت ثبت اتفاقات را انجام می‌دادیم.»

او از پیادروی طولانی از استادیوم تا محل خاک‌سپاری، به‌منظور ضبط همه تصاویر ممکن، و همچنین اندوه شخصی همزمان با کار یاد می‌کند: «ما هم مثل مردم لبنان عزادار بودیم، اما باید در همان حال‌وهای اندوه کار می‌کردیم. تیم‌های کمی برای مستندسازی آمده بودند و همین مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کرد. نمی‌توانستیم کم‌کاری کنیم یا بسنده کنیم به چند تصویر؛ باید نمایندهٔ شایسته‌ای برای جامعه مستندسازی کشور می‌بودیم.»

حیدری اعتراف می‌کند که سخت‌ترین بخش کار همان کشمکش میان میل به عزاداری و وظیفه فیلمسازی بوده است: «دل آدم می‌خواست بایستد و عزاداری کند، اما در عین حال باید وظیفه‌اش را انجام می‌داد. در نهایت این یک فرصت تاریخی بود که توانستیم در مراسم حضور داشته باشیم و روایتش کنیم. تنها حسرتی که ماند این بود که چون برای کار مشخصی به لبنان آمده بودیم، فرصتی برای عزاداری شخصی نداشتیم. مدام باید از جایی به جای دیگر می‌رفتیم تا تصویر بگیریم و همین ما را از حضور خودمان نادیده بودیم. در مراسم، تمام احزاب لبنانی کنار هم بودند؛ سنی‌ها، شیعه‌ها (با تمام دسته‌بندی‌های درونی‌شان) و حتی مسیحیان. همه با شوقی مشترک حضور داشتند. برای من، دیدن این تصویر باشکوه که یک روحانی شیعه توانسته چنین

## به رنگ زرد بخوان

محمدحسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

هنوز سرمای زمستان ۱۴۰۳ تمام نشده بود که ۵ قطعه موسیقی به همراه یک کاور زرد منتشر شد. روی کاور دو کلمه نوشته شده بود. دو کلمه که با رنگ مشکی درست در وسط پس‌زمینه زرد به چشم می‌خورد. آن دو حرف: «سید الامه» است. با همان شنیدن چند ثانیه اول همه مطمئن شدند که آهنگ‌ها رد پای آهنگساز حاتمی‌کیا را دارد. سوز همان سوز بود. اوج‌ها شبیه به اوج «به وقت شام» و «بادیگارد» بود. انگار همایونفر هر آنچه برای این دو اثر کاشته را می‌خواهد برای سیدحسن درو کند. چند ساعت بعد خبر تایید شد، آهنگساز سید الامه همان کسی است که بادیگارد و به وقت شام را به ریتم درآورد. چند روز بعد سید الامه تبدیل شد به موسیقی متن تشییع سید. این حرف شاید کلیشه‌ای شده باشد اما به قول پیلهون؛ جایی که سخن کار نمی‌کند، موسیقی تازه آغاز مسیر می‌کند. موقع تشییع سید وقتی صدای او در گوش تکرار می‌شد، انگار فقط یک قطعه برای زیر متن نیاز بود که خاطرات سید کامل شود. بعد از آلبوم سید الامه دیگر هیچ موسیقی‌ای درباره سید مقاومت از جانب ایرانی‌ها منتشر نشد. با این حال، همان بچه‌های هم‌محله‌ای سید، همان‌هایی که با عکس او کنار مدرسه و اتاق‌هایشان بزرگ شدند و تصویر سید در شبکه المنار و انگشتی که روی هوا چرخانده می‌شد، تصویر ثابت خاطراتشان بود. حالا همان بچه‌ها و همان فرزندان ضاحیه و جنوب، در سکوت محله‌هایشان از سید سرودند.

ما به تو محتاجیم!

«لیس یحتو لی یوم لست فی معی/ هیچ روزی شیرین نیست اگر در کنارم نباشی» این گوشه‌ای از آهنگ حیدر خلیل است برای سیدحسن. حیدر خلیل را تمام ضاحیه می‌شناسند، چه برای صدایش و چه به خاطر پدرش و پدربزرگش. فرزند شهید ابوعلی جواد، محافظ و داماد سیدحسن نصرالله که در حمله هوایی رژیم غاصب به ایران به شهادت رسید. در همین ایام عزاداری، حیدر خلیل برای سید، آهنگی می‌خواند و در قطعه «نحتاج الیک» از دلتنگی یک امت برای سید مقاومت سخن می‌گوید. به جز حیدر خلیل، حسن الحرب هم به همراه گروه سرودی «ابوریت عند لنا» بازگرد نزد ما» را خواند؛ «اشاره انگشتت را بلند کن... ما در انتظار کلامیم

از بدر آسمان ما، تاب دوری و غیبت را نداریم

با دست‌هایت برای ما تبسم کن... با دست‌هایت تبسم کن»

به جز حیدر خلیل و حسن الحرب، قاسم حمادی هم دیگر کسی است که از فراغ و دوری سیدحسن خواند و در قطعه «عزیزترین مردم/ أغلی الناس» با ترانه و قطعه سوگ سید مقاومت را روایت کرد: «دنیای ما بی‌نبض شده است

زیستن خوش نیست اگر تو بروی

آیا از ما چشم می‌پوشی ای تمام نفس‌ها»

این چند قطعه تنها گوشه‌ای از موسیقی‌هایی است که در سالی که گذشت برای سید مقاومت تولید شده است. سوای این‌ها زبان اصلی گروه‌های شیعی «سرود» است. در سالی که گذشت هم سرودهای مفصلی برای سید مقاومت نوشته و خوانده شده است. در سرود «یا لی‌ها العزیز» ای عزیزه شرح مقاومت ملت لبنان و لبیک بعیت با سید شهید نوشته و خوانده شده است: «از قلب قدسی تو

شکوه‌ها ما پوشیده نخواهد ماند

### یک سال گذشته است اما هنوز جنوب از سید می‌خواند

با وجود اینکه یک سالی از شهادت سیدحسن می‌گذرد اما هنوز جنوب و لبنان زرد است و بلندترین صدایی که از خانه‌ها به گوش می‌رسد، صدای مقاومت و عکس‌های سید است. با آنکه هنوز خاوران از فراغ سید ادامه دارد اما حالا و پس از گذشتن چند ماه دوری سید شعار اما علی العهد و بیعت با سید مقاومت در اشعار بیشتر و بیشتر به گوش می‌رسد. شعرهایی که با گذشت از سوگواری روزهای آغازین، حالا ندای مقاومت جنوب را سر می‌دهند. در روزهایی که مردم لبنان از سیاستمداران طلب سکوت دارند، موسیقی علی العطار و حیدر خلیل رنگ زرد را برای مردم زنده می‌کند.

ادامه از صفحه ۱۲



یکشنبه ۶ مهر ۱۴۰۴
۴۵۱۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE